

تر شود. عزیزی نیز در شعرهای خود به طور کامل از این اصل بهره برده و دروازه های شعرش را با سخاوت تمام به روی همه کلمات باز گذاشته است.

بدون تردید کشف مضامین جدید و خلق تصویرهای عینی و ملموس از رهگذر تمسک به چنین اصلی بوده است. چند نمونه:

بوی سیم اختلالات حواس

بوی کالادر بهار اسکناس

(خواب میخک، شعر "سفرنامه خواب")

مادرم فکری برای عید کرد

قوطی کنسرو خالی صید کرد

(شرجی آواز، شعر "قتل بید")

مرگ سرخ، آواز هوح می کشد

مرگ قرمز، سوت احمق می کشد

(خواب میخک، شعر "سنگ خطبه")

بوی سس، بوی عفونت، بوی لاک

بوی عطر تند کاپیتان بلاک / ۳۰۴

(کفش های مکاشفه، شعر "سفرنامه خواب")

بعد نسلی مرده و مات آمدند

جانینانی با کراوات آمدند

(خواب میخک، شعر "پس از بوسه باران")

انگلیس آینه ها را خواب کرد

صنعت فولاد را هم آب کرد

(شرجی آواز، شعر "قتل بید")

مردمان بیت های بی لحیم

مردمان کاسه های بی حلیم

(کفش های مکاشفه، شعر "شست و شودر طنین")

## ■ فراز و فرودهای مضمونی در شعر عزیزی

در شعرهای عزیزی فراز و فرودهای مضمونی فراوان است. چنان که گاهی بیتی بسیار دلنشین و ناب در کنار بیتی متوسط و معمولی قرار می گیرد! نکته دیگر این که شاعر در عرصه نوآوری مضمونی گاهی چنان به افراط و تفریط کشیده می شود که بعضی آثارش به جای شعر، به کاریکاتور شعر تبدیل می شوند. آن چنان که خواننده هنگام خواندن این گونه از شعرها در جدی گرفتن آنها دچار تردید می شود! به نمونه های زیر توجه کنید:

یک نفر قلب مرا یک شب درید

نصف قیمت خاطر اتم را خرید

(خواب میخک، شعر "صد چمن ادراک")

سبزه ها را بسته بندی می کنند

گاو هندی را هلندی می کنند

(کفش های مکاشفه، شعر "دره بین ظهور")

شیعه یعنی کشف یک قتل فجیع

(خواب میخک، شعر "پای دیوار ندبه")

مایه کوبی می شود انسان به نور

قرص هایی هست بر ضد غرور



(خواب میخک، شعر "دره بین ظهور")

بعد نسلی مرده و مات آمدند

جانینانی با کراوات آمدند

(خواب میخک، شعر "پس از بوسه باران")

باد می کر دیم شب در پشه بند

زیر توری های "مید این اینگلند"

(خواب میخک، شعر "زن موعود")

## ■ مضمون سازی و تصویر پردازی در مثنوی "سمت لادن"

همچنان که در آغاز اشاره شد، عزیزی شاعری مثنوی سر است. او در این عرصه بیش از عرصه های دیگر در خشیده و به شایستگی توانسته است خلاقیت ها و توانمندی های ادبی خود را به منصفه ظهور برساند. شاهد مثال نیز چاپ گزیده اشعار او توسط نشر تکاست که در بر دارنده گزیده مثنوی های اوست و در آن هیچ نمونه ای از دیگر آثار او که در سایر قالب های ادبی سروده، ارائه نشده است.

در این فرصت فراهم آمده نیز شایسته تر آن دیدم که به منظور بررسی فرآیند مضمون پردازی و تصویر سازی در اشعار او، به خوانش و تحلیل یکی از مثنوی های او با عنوان "سمت لادن"<sup>۳۳</sup> بپردازم. تاچه قبول افتد و چه در نظر آید.

ای دل آفت نشین زردمن!

ای درون زار خار اگر دمن

ای هواهای به نفس آلوده ام

ای ز شهرت پیکر فرسوده ام

کشور آنان کجا و ما کجا؟!

ما کجا - شهریم و آنان ناکجا

این مثنوی که در وزن معروف مثنوی معنوی مولانا "فاعلاتن فاعلاتن فاعلات یا فاعلن" سروده شده، از جمله مثنوی هایی است که شاعر در آن موضوع نقد گونه و معترض به شرایط انسان معاصر دارد. موضوع این شعر، تقابل سنت و مدرنیسم است. تقابل شهر و روستا و انسان دیروز و امروز. انسانی که به زعم عزیزی در برزخ سرب و سیمان و آهن، دچار آلزایمر انسانی و نوعی پوچی و بی هویتی شده و در جست و جوی روزنه ای برای پرواز و "بازگشت به خویشتن انسانی خویش" است. شاعر در این شعر با خلق مضمون ها و تصویری بکر و خلاقانه، انگشت اتهام را به سمت خویش نشانه رفته است. به سمت "من" استحال شده ای که در پیله آرزو ها و هواهای نفسانی خویش خزیده و از فطرت الهی و آرمان شهر موعود به دور مانده است. او همچون مولانا وابستگی و دل بستگی به جهان را آفتی کشنده برای قد کشیدن روح انسانی خویش می داند و از همین رو به نفس عاقبت طلبش نهیب می زند که از این عاقبت نشینی پر هیز کند و به دنبال راهی برای رهایی از این قفس باشد، هم چنان که مولانا می گوید:

این جهان زندان و ما زندانیان

حفره کن زندان و خود راوارهان

چیست دنیا؟! از خدا غافل شدن

نی قماش و نقره و میزان وزن

مال را کز بهر دین باشی حمل

«نعم مل صالح» خواندش رسول